

هدیه نفیس یانو روز نامه ۱۲۲۴ آزادگان

لیورور نزدیک است، در اویل سال هر گس باید «اولا و گان خود چندین دهد، پهلوی و ۱۵٪ ترن عدیده باشد، نوروز نزدیک ۱۴۳۴ آزادگان است که میتوانید آن را بر سرم بادگار عدیدی اولاد و دوستان خود از گذشتگی کنید.

ابن سپهسون: لیلس در ورق قل از مهد نوروز در صفات: تند
با چاهد و سبز و لکن اعلی های طالب تنبع و موسمند امی! (عن بیان)
نازی پیش: سیاسی منشی متعاقب متعاقب از گذشتگی عکس از نظر از
برگ کان و جالب امادی ایران و دنیا این دارای
قیمت هرسته! آن دیران و کله شورستان ما ۵۰ ربیع

ازولایات هر کس هر چند نسبتی که خواهد بنت آن را (قرآن) سهی ای
ده و زل بادریوس: «تهران خیابان برقی - روزانه ۲۰۰۰ آزادگان»
با تبیین اثاثی و آدرس خود پدرسته دارد، برای ایصال خواهد شد

دفتر روزنامه آزادگان ۰-۳

که فرود گاهه می وندارن، همچنین شادی
منظور از هر گوشه احتفال بیش آمد باشد
ازدواج خواهر علمه اکبر ایران
شاهمدار خانم، شاهزاده و مادر عالیه قارون
احمد دلوفه اور (لوق) زنده ای
بزرگ نزد که ازدواج خواهد گردید.
خراب ازای سلطنت
پیروزی خواهش کن که کاری فرازه شیر
میدهد که وزیران امور اخراج گشوار
های عرب طرف خواهش ازدواج خواهد داشت
روز نامه پیروزی تایید و در روز
طريق برای خود مبلغ مسلطنتان
کردن برقیت این طرق مقرر مدنی
ماسوی مسلیمن و برقیت داده خواهد شد
شک در سیده و دوست بودست خواهی هزار
بودی که اینجا هر دو در طبله اینها
خواهد بابت اینها دو نیزه مسواری
شوند و دوست ایکلیس خودست غدوت
بیک ایمهه دائمی که مری این منظور
از طرف ایجمن بنی فرسنگی و ایجمن
خواهد گردید اینچه خواهد گردید
روابط شوری و اتفاقات
و - پیغام برای خواهش کاری
ایکلیس مصالح سیاسی و ایکلیس ایمان
تایید کرده که مذاکرات این و اینسان
و اتحاد خاکباز شوری ادامه دارد
- ایمان - ایکلیس

اچری قانون اصلاح و درود
خواری قانون اصلاحات ارضی در پیرامون
از اوضاع جهودی های اینستادت در کارهای
طب و سوئیل برداشت از اهداف در این
اماکن باشود شد: به تضییری
نهضت ارضی ملک داردند که برگشته اند
فاختیست که همانه ملک را باز و این
تعمیم کردند که اکارون از پانچاله
روستانی اختصاص دهن.
روزانه و کرسیکان در قاله
ای شان بیدعه که چگونه این نسبتی
نخواهد از این قرایب از اراده
پذیری خواهی آشنا و ممکن است
لایلی بوده و فریاد از
آزادی بیدری زمین میباشد. بر عین از
آنها ایلیان اتفاقی معمولی که این داراد
پس از دنگر ایمان مه دارند از لام
بسیاری اینها باید باید
فکالت آلمانیه در روز و
استئنات- طبق کارش شیر کزاری
تکلیفی شنایر شیری که ب سوی و سرمه
س از اسرائیل شاه ایلان یعنی عربی عربی
ایلان نیزلا و اخیرین میگز معاشر
درگز فرادری خواهد داشت.
فرانسیسی عالی ایلان بفرمایی
برو و گل ایلان برو و میتواند داده است

خبرهای جهان

در جمیعه با ختر
سیاه اول امر سکا تکیه گاه

کر جمہ کریم کشاورز

10 of 10

اُردو اداہ سلوبیکاری - ۱۲ -

فِي عَشْقٍ

جهب این میانه فرم ام : **ناظم امرور ایندله دقتی را** جلب کرد
بن رونک پوشم میزد - تپنک گئند - بود . دو بیمارستان از ایندله های تند
که پوشیده بودند باشد اینهات کرد . باضطره همپ دلآن دوازدهت - قدم ها را
نمود . هر چند که این دوازدهت قدم را نمود - بازیز - فوازد -
خوب بله کان چندیه دارد . شکست در این امت که پوش از این همچورت
کنکشتر شدند اما هم اتفاق نداشت . دوازده - هر دادست - اینهتمام دوازده - این
کیست . که میباشد . هر دادست -
رویی از گیوه . گوییک اسپایه ای جراحت را عربون باوردو گفت :

- هیچ

در این ماربا اوجاچی بدباد و تمهی خواه کرده آبانجه را و قوم یافته میتوان بیش آمد ناطقطوم خواند و سیس گفت.

- آردي چيزى شېرىي بايرىن
- آخىر چىپت چىرا حرف ئۇزىلى 1 .
- مابارا ناگىپان باروي سەنداي افناڭ گۈنى يەھايش دا بىر بىدە 11دە بىدالىن

گردگانه حاکمی از پیشوارگی گفت:
- گریشامدد...
ویسا ناله بر آورده و از چشم‌اش سرشک حیرت - بسرعت و آسانی

اوی دویست و بیست و سه دویله
۱۰۰۰ عاشه ا
داریا و پیرا بکنار گرد . هشادانش متزه، شاه، خرمانی و نگین کشت

که رونی گف ساف و سبقانی اطاعت افتاده بود. دیش خود اندیشید.
پقدور شیبیه گل است. مانند غزنهه بشکنده است.
گربش امروز. گربش امروز.

دوباد این الماظ را تکرار کرد و درمی خود بگلایم خوبیش دوست
لر میدهد . آنچه تر میگفت و از آنچه میگفت وحشت زده نبود . آخر چطوردمیکن

است چه میزان چیزی حیثیت داشته باشد میتوان بسته راست باشد دروغ است از اینجا
است چه میزان سهاده نمایند سهاده کاری که تکرارش هم عیب است .

ریوی معرفه نموده های زنگ احمدی های پیدا و آن چهار مردمی دوست مدد
ریوا از ۴۰ بر چشت .
- من هیرووم ۱

- مداری هفت دارد مبینه داد، خیلی در هذل است .
- چه واقع شد .
- مردم اون پرستاری را با احتجاج می کنند .

شماره هفت آری - همه میدانند که خواهد مرد . بزشک قبل اطلاع
داده بود . تصور میرلت که در طی روز بیدرد .
مازی با آستنکی از اطاق خارج شد . که میبرد گشایش . چه حرف بی

منی . گربا - ممکن بیود بیدر . ازدیک مجروح شد . تب پندیر بالا بود که گوگو : آتش از دی میازاد . بسختی نفس میکشید و با اکستاشن منظماً بنوی
لیده را مینهاد . اینها همچنان که اینها را در فنه بود . نهش صدرا

و د و ز ا ز ب نی خا و ج م ب د . بیک ظه ر ف ه ب د م ب ش د که این آدم دیگر ب و دی
و ا ح ا ل بیت سب ته میر آن د . از کر ا ه ب د ا د ا ه د و د ر و د ش .
ه م ا ل ا ه ا ز ه ا ز ه و د ب ا ز ا و د ا ز ه ا ز ه ا ز ه و د ب ا ز د . ل خ ب ز ر کی در د ش کم

اشت. هدوئی سخون پریده کرد و بود. قبول از این شد: به بیمارستانش بیاوراد
سر نوشت. معلوم شدند بود. مباریها پیشتر خم شد. دامست که مجبوح از دا
میروی غلامه میگرد. ماریها پیشتر خم شد. دامست که مجبوح از دا

نخست است - نظر کرد - بوزار و پیش فرجه را خود بید آورد - همان تبریز
که به سلطان آن دوستی داشتند - چون سپس که به پور و سفین آواست و این و شاطئ
سلطانی می رکرد - ولی اگرگون این ها امیدی در کام بود - نشاطی و بود

دادرشت - ایشان گفت میباشد پس مهروخ آرامش دوست ناین شرد
پوش گویی بخ و روی سر مهروخ تیری زاده موهانی چیز وی بیشانی
بینه ووده باستنای افرادی که در وقت خود روزی امکانات مشتملی که

خوره میخواهیه کذا فک
= آخ ...
= آخه ... آخه ... اینطور نکته

